

ساده‌سازی نکاح خط؛ نقطه پایان کودک‌همسری

تعدادی از نهادهای مدنی و دولتی روی طرح جدیدی کار می‌کنند که با ایجاد سهولت برای گرفتن نکاح خط، زمینه‌ها برای ازدواج کودکان را از بین ببرند. آن‌ها می‌گویند که بوروکراسی حاکم در دادگاه‌های افغانستان باعث شده است که ۸۰ درصد زوجین نکاح خط نداشته باشند و از همه مهمتر اینکه این روند... [صفحه ۴](#)

دروغ‌هایی که در اول آپریل باید گفت

طالبان میدان وردک در دیدار با والی بامیان با انتقاد از عدم حضور دختران دمیورنواز در برنامه‌های فرهنگی امسال پرسیدند: حقوق زنان و انسانیت کجاست؟

رنگینه حمیدی از طرف ملاحیت‌الله در بست ماثوق رتبه به عنوان رئیس انستیتوت موسیقی و آواز زنان در امارت اسلامی طالبان مقرر شد. رنگینه پس از آن مورد توبه ملاحیت‌الله قرار گرفت که نواهران ناراضی عکسی از وی در حالی که ریش و لنکی بر سر داشت، به شکل قشوق‌شاپ در مقابل وزارت معارف را به نمایش گذاشتند. وقتی ملاحیت‌الله تصویر رنگینه را دید، ناخودآگاه بی‌تی تواند به این مضمون:
یاد بوی رنگینه آید همی
یاد یار مهربان آید همین

کاملا هریس، معاون رئیس جمهور آمریکا در سفری از پیش اعلام نشده به افغانستان با رولا غنی دیدار کرد و از رهبری با درایت رولا در پروژه پرموت تقدیر و تشکر کرد و از وی خواست تا تهریبات خود را در مدیریت بودجه این پروژه از حالت مصمرانه خارج کرده و در اختیار دیگر رهبران زن از جمله مرکل قرار دهد. اشاره فائمه هریس به مرکل از آنجا ناشی می‌شود که رسانه‌های آلمان رازهایی از زندگی شخصی فائمه مرکل را افشا کردند و از این رهبر زن انتقاد کردند و نوشتند که برای ملت آلمان ننگ و شرمساری است که با آن همه بودجه رهبرشان نمی‌تواند یک خدمتکار بگیرد و خودش غذا می‌پزد و روزها در بازارهای ترکاری فروشی در حال خرید ترکاری است.

ملا برادر روز سه شنبه که به صورت کاملا اتفاقی به مراسم افتتاح فدراسیون فوتبال آریانا سعید دعوت شده بود، از آریانا سعید به عنوان ملکه دل‌ها یاد کرد و افزود: زنان باید آریانا سعید را به عنوان الگوی زندگیشان برگزینند. او همچنین ناظر نشان کرد که آریانا سعید را با همین لباس سفید در یکی از نشست‌های صلح در مسکو دیده است. آگاهان می‌گویند که این ادعای ملا برادر بفاطر تاثیر سالفورگی است و او ملکه دل‌ها را با یک فائمه روس که سال گذشته عکسش با ملا برادر فبرساز شد، اشتباه گرفته است.

هزاران مرد از اقشار مختلف طح کردهمایی اعتراضی در کابل خواهان در نظر گرفتن سهم ۵۰ درصدی شان در امور فائمه‌داری شدند.

سازمان‌های بین‌المللی حمایت از حقوق کودکان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از حکومت خواسته است که روند ازدواج پسران زیر ۱۸ سال با زنان بزرگسال را متوقف کند. این نهادها ازدواج پسران زیر سن با زنان بزرگسال را مصداق نقض حقوق بشر خوانده متکرم کرده‌اند.

کفش پاشنه بلند، پوشش مردانه‌ای که زنانه شد

به کودکی که زاده شد

شب با برادرم حرف می‌زدم، خستگی و آشفتگی از چهره‌اش می‌بارید، می‌گفت که کل روز را دوبده تا آمپول/ پیچکاری نوزادش را بخرد و عاقبت یک آمپول کمیاب را با قیمتی گران خریده بود و مسئول داروخانه گفته بود که فعلا چهار دانه آمپول نخر به این گرانی! اگر...



«چه وقت به وضعیت قبل از جنگ بر خواهیم گشت؟» خاطرات یک دختر جوان



افغانستان، تنها کشوری که زنان مسالهی صلح هستند «جامعه جهانی، دیگر به حقوق زنان در افغانستان علاقمند نیست»

گفتگو با فریده مومند، عضو
رهبری شورای مصالحه ملی و
وزیر سابق وزارت تحصیلات عالی

دیلیکس یک نهاد مشورتی - تخصصی در زمینه توسعه میان رشته‌ای است که خدمات تخنیکي معطوف به نتیجه، ارزش‌افزایی و تحول‌آفرینی را برای نهادهای دولتی، غیردولتی و بین‌المللی انجام می‌دهد. در این راستا، دیلیکس با نیازسنجی فنی با راهبرد موثر و شیوه نوآورانه، خدمات ذیل را ارائه می‌دارند:

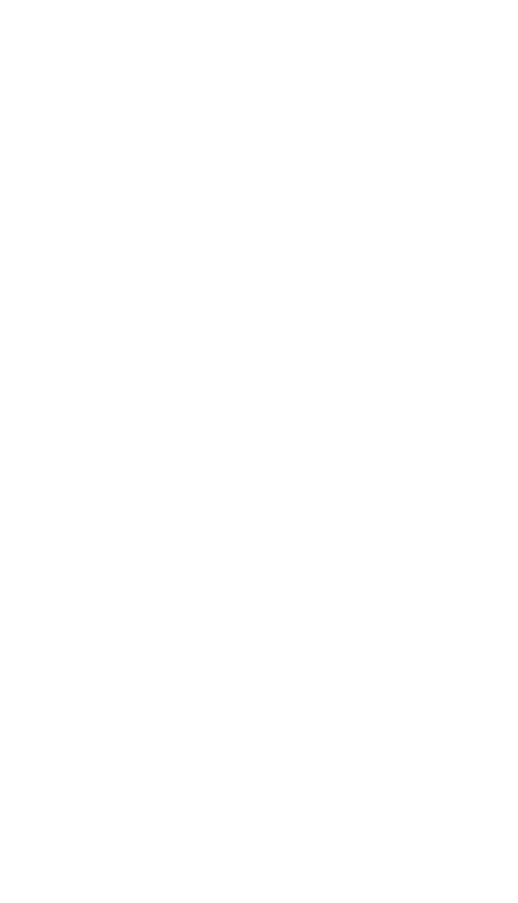
- ✓ توسعه‌ی سازمانی
- ✓ پژوهش و تحلیل پالیسی
- ✓ نوآوری در توسعه

شما می‌توانید برای تحول سازمانی، تدوین پالیسی داده‌محور و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای توسعه با ما در تماس شوید:

www.delex.de +93 788 788 872 info@delex.de



نخبگان توسعه‌ای بدیل



● شب با برادرم حرف می‌زد، خستگی و آشفتگی از چهره‌اش می‌بارید، می‌گفت که کل روز را دویده تا آمپول/ پیچکاری نوزادش را بخرد و عاقبت یک آمپول کمیاب را با قیمتی گران خریده بود و مسئول داروخانه گفته بود که فعلا چهار دانه آمپول نخر به این گرانی! اگر نوزادت بهتر شد با یک دانه آمپول، باز بیا سه دانه دیگر هم برایت می‌فروشم. نوزاد برادرم هشت ماهه بدنیا آمده و هنوز میان مرگ و زندگی در جدال است. دکترها گفته‌اند اکسیژن خون نوزاد کم است و ریه‌هایش هنوز آب دارد. برادرم ولی امیدوار بود و می‌گفت شاید زنده بمانه، چون دختره. فکر کردم، برادرم چقدر به سخت جانی دخترها اعتقاد دارد. شاید بخاطر اینکه در خانه همیشه سخت جانی خواهرانش و البته مادر را هم دیده است. از خواهرم درباره در مورد حال مادر و نوزاد پرسیدم، آهی کشید و گفت که دلم می‌سوزد برای مرضیه (نام مستعار)، هم درد زایمان طبیعی و هم درد سزارین (عملیات) را با هم تحمل کرد. تخت‌های کناریش، نوزادان را کنار مادرانشان می‌آوردند ولی او حتی اجازه نداشت، نوزادش را داخل شیشه ببیند. یک لحظه دلنوشته‌های اوربانا فالاجی در کتاب «به کودکی که هرگز زاده نشد» به خاطر آمد، آنجا که در گفتگوی درونی با جنین چند هفته‌ای از تردیدهای زندگی و مرگ می‌گوید و اینکه قرار است فرزندش به چه دنیای پرآشوبی قدم بگذارد. اینکه دوست ندارد او (نوزاد) دختر باشد تا از خیلی از تحقیرها و بردگی‌ها در امان باشد و اگر پسر زاده شود هیچکس نمی‌تواند در تاریکی شب به فرزندش تجاوز کند.

لازم نیست حتما زیباچهره باشد تا در اولین نگاه مورد قبول واقع شود و... یک لحظه از خود پرسیدم براستی باید همسر برادرم چه حسی داشته باشد، وقتی فرزندش هنوز در بین مرگ و زندگی تقلا می‌کند. آیا باید از آوردن او به دنیا خوشحال باشد یا سنگینی بار مسئولیت



به کودکی که زاده شد

● مریم بهاری

زندگی یک انسان را بر روی شانه‌هایش تحمل کند، در کنار اینکه جای بخیه‌ها را در شکمی که لایه لایه‌اش را بریده‌اند و زخم‌هایی که هنوز جایشان درد می‌کند، را تحمل کند. مگر نگفته‌اند که زنان در هنگام زایمان تا مرز مرگ درد می‌کشند و برمی‌گردند به زندگی. در چنین وضعی زنی که هشت ماه فرزندش را در بطنش نگهداری می‌کند.

از حالت تهوع تا دردهای طاقت فرسایی که خواب و

جنون در دیار مهاجرت بدنیا آمده است. شروع کردم به نجوا با او که دو هفته وقت داری تا تصمیم برای ماندن در این دنیای پرآشوب یا بازگشت به عدم را بگیری. اطرافیان می‌گویند که خیلی سخت است تو مرگ را انتخاب کنی، چون پدر و مادرت سختی‌های زیادی را تحمل کرده‌اند، دیگر تحمل این را ندارند که اولین پاره جگرشان را هم از دست بدهند، ولی تویی که تصمیم می‌گیری بمانی یا بروی.

اگر بخواهی بمانی تعلق به وطنی داری که تا چشم کار می‌کند خشونت و بیداد و تعصب حرف اول را می‌زند. تو شهروند درجه چندم وطنت خواهی شد و برای حقوق اولیه زندگی شهروندی و بعد حقوق جنسیتیت باید مبارزه کنی یا اگر بخواهی به سیاق پدر و مادرت رفتار کنی، تو می‌شوی فرزند مهاجرت در کشوری که هوایش را هم با منت نفس بکشی، مجبورت می‌کنند خلاف میل لباس بپوشی و جیغ زنی، بلند نخندی و در دشت‌های سبز ندوی. چون تو یک دختر هستی و باعث به گناه افتادن مردان می‌شوی.

البته این‌ها مطلق نیست، ممکن است تا وقتی بزرگ شوی، خیلی از معادله‌ها تغییر کند و تو زندگی بهتر از زندگی ما داشته باشی. اگر عدم را انتخاب کنی، معلوم نیست که چه وقت یکبار دیگر این بدن انسانی را داشته باشی. شاید گل وجودت به سبزه گیاهی در امتداد یک رودخانه بزرگ تبدیل شد یا صخره‌ای در برابر امواج یک اقیانوس یا ماهی در داخل برکه‌ای شدی. چه می‌دانم، این انتخاب توست، شاید بهتر باشد زندگی را انتخاب کنی. چون حق داری خطا کنی و راه درست را پیدا کنی ولی اگر زندگی در دنیای آدم‌ها را انتخاب کردی، آن وقت که با سختی‌های زندگی آدم‌ها روبرو شدی، امیدوارم هیچ وقت پدر و مادرت را سرزنش نکنی که من نمی‌خواستم بدنیا بیایم چرا مرا بدنیا آوردید.

کفش پاشنه بلند، پوشش مردانه‌ای که زنانه شد

● کمریم شاهی

● بسیاری تصور می‌کنند که پوشیدن کفش/بوت پاشنه بلند مختص زنان است اما جالب است که بداند اولین بار مردان از کفش پاشنه بلند استفاده کردند. برخلاف تصور بسیاری، کفش پاشنه بلند فقط جنبه تزئینی و زیبایی برای زنان نداشته بلکه در طول تاریخ، اثرات فرهنگی، اجتماعی و صحتی برای زنان در پی داشته است.

در این نوشتار تلاش می‌کنیم کفش پاشنه بلند از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهیم. در افغانستان نیز زنان و دختران بخصوص در سن جوانی گرایش زیادی برای پوشیدن کفش های پاشنه بلند دارند، و پرتین مملو از کفش‌های پاشنه بلند زنانه در افغانستان، گویای این واقعیت است.

● از کلاس اجتماعی تا قدرت و جذبه جنسی

در قرن هفدهم یعنی ۴۰۰ سال پیش، مردان طبقه اشراف کفش‌های پاشنه بلند می‌پوشیدند تا موقع سوار شدن بر اسب، کفش‌هایشان به آسانی از پایشان بیرون نیاید. این کفش‌ها بخصوص در دوره جنگ‌ها و عملیات‌های نظامی کاربرد داشت. بعد از گذشت اندک زمانی، این مدل کفش‌ها در بین زنان اشراف نیز رایج شد.

ملکه الیزابت اول، اولین زنی بود که کفش پاشنه بلند پوشید. از این دوره به بعد کفش پاشنه بلند بخشی از تجملات طبقه اشراف و نشانه تشخیص و کلاس اجتماعی محسوب می‌شد. بعدها در صنعت کفش‌سازی، پاشنه بلند کفش برای زنان به طور عمده ساخته شد. دلایل مختلفی درباره پوشیدن این مدل کفش برای زنان وجود دارد.

امروزه برخی از زنان تصور می‌کنند که کفش پاشنه بلند بر زیبایی ظاهری آن‌ها می‌افزاید و اعتماد به نفس آن‌ها را درباره ظاهرشان تقویت می‌کند. اما مردان در مورد کفش پاشنه بلند برخورد دوگانه‌ای دارند.

عده‌ای از مردان فکر می‌کنند که پوشیدن چنین کفش‌هایی برای زنان صرفاً عذاب و آزاری است که زنان بر خود روا

در قرن هفدهم یعنی ۴۰۰ سال پیش، مردان طبقه اشراف کفش‌های پاشنه بلند می‌پوشیدند تا موقع سوار شدن بر اسب، کفش‌هایشان به آسانی از پایشان بیرون نیاید. این کفش‌ها بخصوص در دوره جنگ‌ها و عملیات‌های نظامی کاربرد داشت. بعد از گذشت اندک زمانی، این مدل کفش‌ها در بین زنان اشراف نیز رایج شد.

ملکه الیزابت اول، اولین زنی بود که کفش پاشنه بلند پوشید. از این دوره به بعد کفش پاشنه بلند بخشی از تجملات طبقه اشراف و نشانه تشخیص و کلاس اجتماعی محسوب می‌شد.

می‌دارند و برخی از مردان به دیده تحقیر و تمسخر به رفتار پوشیدن کفش پاشنه بلند توسط زنان نگاه می‌کنند، با این حال مردان تصور می‌کنند که زنان با پاشنه بلند جذابیت بیشتری دارند، از نیمه قرن نوزدهم با اختراع عکس، تصویر زنان برهنه‌ای با کفش‌های پاشنه بلند چاپ شد و این گونه به طور رسمی کفش پاشنه بلند به عنوان ابزار جنسی زنان و ابزاری برای تحریک شهوت در صنعت پورنوگرافی مطرح شد.

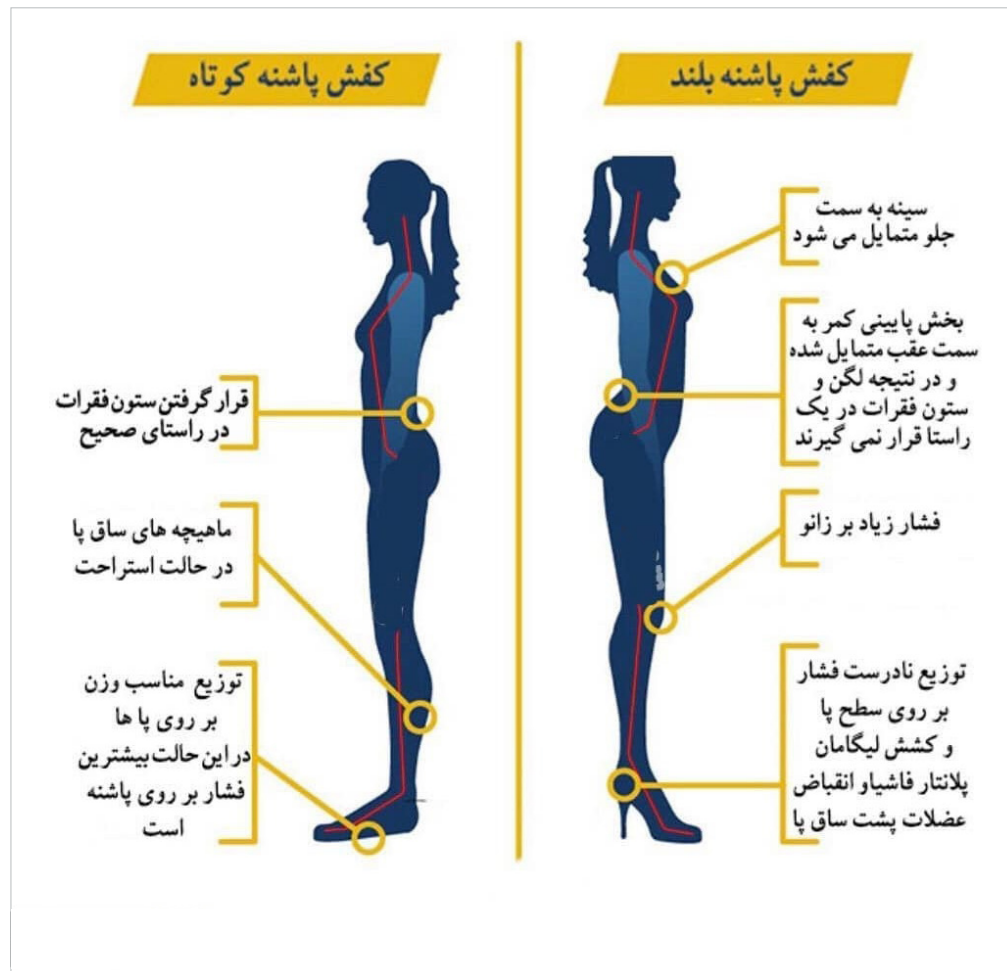
امروزه برخی نیز اعتقاد دارند که پاشنه بلند کفش برای زنان تعیین‌کننده قدرت و جذبه جنسی در دوره‌ای از تاریخ محسوب می‌شده است و به عنوان عاملی برای اغوای مردان و تصاحب قدرت توسط زن‌ها به شمار می‌رود.

● فرس سرخ «کن»؛ ورود پاشنه تخت‌ها ممنوع

چندی پیش، ماجرای جلوگیری از حضور تعدادی از بازیگران زن بخاطر پوشیدن کفش پاشنه بلند در جشنواره کن، بحث‌های زیادی را در افکار عمومی اروپا و آمریکا برانگیخت. این ماجرا پوشیدن یا پوشیدن کفش پاشنه بلند و قضاوت زنان بر اساس نوعیت کفش را به مساله تبدیل کرد.

اینکه آیا قدرت و جذابیت جنسی زنان بر اساس پوشیدن چنین کفش‌هایی ارزیابی می‌شود؟ دستاوردهای هنری بازیگران زنی که کفش پاشنه بلند نیوشیده بودند، به اندازه کفش‌هایشان برای مجوز ورود به یک جشنواره مهم نبود. در روزنامه نیویورک تایمز در این باره مقاله‌ای منتشر شده است و معنای جذبه و قدرت زنانه را با کفش پاشنه بلند به چالش کشانده است، اینکه چرا باید معیار ارزیابی زنان امروز همچون قرن هجدهم میلادی با ابزارهایی مثل کفش تعیین شود؟ در حالیکه جذبه جنسی زن در قرن هجدهم با کفش پاشنه بلند ارزیابی می‌شد. حتی در قرن نوزدهم میلادی از رفتار زنان درباره پوشیدن پاشنه بلند به عنوان یک ویژگی ناغلاتی زنانه انتقاد شد تا مبارزات برای گرفتن حق رای زنان را بی‌اعتبار کند.

از جنبه سلامتی می‌توان گفت که پوشیدن کفش‌های پاشنه بلند در درازمدت عوارض صحتی جدی در پی دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد حدود یک ساعت می‌توانند پوشیدن کفش پاشنه بلند را تحمل کنند و بیشتر از این زمان، باید نگران عوارض صحتی این نوع کفش‌ها بود. کفش پاشنه بلند باعث درد و ناراحتی در عضله‌های پا و کمر می‌شود.



«چه وقت به وضعیت قبل از جنگ بر خواهیم گشت؟»

خاطرات یک دختر جوان

● قسمت هفتم



● اشاره: «خاطرات آن فرانک» نوشته‌های یک دختر نوجوان یهودی است که در تابستان ۱۹۴۲ در زمان جنگ جهانی دوم در وحشت از نازی‌ها (طرفداران هیتلر) مجبور شد، همراه با اعضای خانواده‌اش در شهر آمستردام به زندگی مخفی روی آورد.

● کیتی عزیزم

دیشب در خانه ما برق اتصالی کرد و در ضمن بی‌وقفه صدای تیربار به گوش می‌رسید. من پیوسته از صدای گلوله و هواپیما می‌ترسم و برای آرامش تقریباً هر شب می‌روم در تخت پدرم. شاید کار من خیلی کودکانه به نظر برسد ولی دلم می‌خواهد تو را نیز در آن حالت ببینم. به قدری صدای توپ می‌آمد که صدای همدیگر را نمی‌شنیدیم. زیر نور شمع به ترسناکی تاریکی نبود. می‌لرزیدم، درست انگار که تب کرده باشم و به پدرم التماس می‌کردم که شمع را دوباره روشن کند. او تحت تاثیر من قرار نگرفت و ما در تاریکی ماندیم. ناگهان صدای تیربارها به گوش رسید که صدایش ده‌ها بار از توپ بدتر است. مادرم ناگهان از جا جست و شمع را روشن کرد و پدرم هم عصبانی شد. به اعتراضات پدرم با لحن تند جواب داد: «آن، یک سرباز قدیمی جبهه رفته نیست.» و موضوع خاتمه پیدا کرد.

● جمعه ۱۲ مارچ ۱۹۴۳

● کیتی عزیزم

هرگاه به شرایط زندگیمان در اینجا فکر می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که در مقایسه با یهودیان دیگر که در مخفیگاه نیستند، ما در اینجا به نوعی در بهشت زندگی می‌کنیم. ولی در آینده وقتی شرایط عادی شود، به سختی می‌توانم تصور کنم که چطور مایی که در خانه خودمان چنان راحت زندگی می‌کردیم، به این اندازه توانستیم سقوط کنیم. منظور من از سقوط در اینجا آداب و رفتارمان است.

بعنوان مثال از زمانی که در اینجا هستیم، سفره میزمان را عوض نکرده‌ایم و از بس که از آن استفاده شده، دیگر جلایی ندارد (خیلی کهنه شده است). اغلب سعی می‌کنم با یک قاب دستمال به آن جلا بدهم، اما خود این دستمال را قبل از اینکه به مخفیگاه بیاورم، خریدم و حالا پر از سوراخ است. یا مثلاً خانواده فان‌دان از آغاز فصل زمستان تا حالا ملافه‌شان را عوض نکرده‌اند؛ چون آنرا نمی‌توان در اینجا شست، برای اینکه صابون رختشویی خیلی کمیاب است و تازه خیلی هم کیفیتش بد است. پدرم یک شلوار نخ‌کش شده (خیلی کهنه) بر تن دارد و کراواتش (نکتایی) هم معلوم است که کهنه شده و امروز لباس مادرم از بس کهنه شده بود، پاره شد و دیگر نمی‌توان آن را دوخت. تازه مارگو (خواهر آن) هم سینه‌بندی دارد که دو سایز برایش کوچک است! مادرم و مارگو تمام زمستان را با سه بافتنی گذراندند و لباس‌های بافتنی من به قدری کوچکند که حتی به ناظم هم نمی‌رسد البته می‌شد از این‌ها صرف‌نظر کرد، ولی به هر حال بعضی وقت‌ها از خودم با وحشت می‌پرسم با این وسایل کهنه از شورت من گرفته تا فرچه/برس پدرم، تا کی دوام خواهیم آورد. بالاخره چه وقت به وضعیت قبل از جنگ بر خواهیم گشت؟

● یکشنبه ۲ مه ۱۹۴۳

● کیتی عزیزم
یکشنبه محله شمال شهر آمستردام به طرز شدیدی بمباران شد. ظاهراً انبوهی خرابی به بار آمده است. بعضی از خیابان‌ها به طور کامل خراب شده و برای بیرون آوردن مردم از زیر آوار وقت زیادی لازم خواهد بود. تا حالا دوپست نفر جان باخته‌اند و شمار زخمی‌شدگان هنوز معلوم نیست. همه بیمارستان‌ها پر است. از بچه‌هایی صحبت می‌شود که بدن‌ال اجساد والدینشان در زیر آوار پر از دود می‌گردند. وقتی دوباره به این صدای مهیب در دوردست که خبر از نابودی می‌داد، فکر می‌کنم، بدنم به لرزه می‌افتد.

● جمعه ۲۳ جولای ۱۹۴۳

کیتی بسیار عزیزم ناگهان روحیه‌مان تغییر کرده و همه چیز خوب پیش می‌رود. نیروهای آلمان در شربورگ، ویبستک و جلوبین امروز تسلیم شدند. متفقین تعداد خیلی زیادی اسیر و غنیمت گرفته‌اند. پنج جنرال آلمانی در شربورگ کشته و دو تن اسیر شدند. با تصرف بندر شربورگ، انتقال نیرو برای انگلیسی‌ها ساده‌تر شده است. تنها سه هفته پس از پیاده شدن نیروهای متفقین در سواحل نورماندی، سراسر شبه جزیره کوتانتن در اشغال انگلیسی‌هاست. واقعا پیروزی شگرفی است! در طی این سه هفته در اینجا و فرانسه پیوسته هوا بارانی و طوفانی بوده ولی این بدشانسی مانع قدرت‌نمایی انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها نشده است. آن هم چه قدرتی! البته آلمانی‌ها هم سلاح معجزه‌آسای خودشان یعنی موشک‌های دوربرد را که با آن لندن را می‌زنند، وارد عمل کرده‌اند اما با این ترقی‌ها کار زیادی از پیش نمی‌برند، الا این که خسارت‌های ناچیزی به انگلیس وارد آورد و با عناوین درشت در روزنامه‌های آلمان به نفع خودشان تبلیغات کنند. البته وقتی در آلمان همه متوجه شوند که بلشویک‌ها خیلی خیلی نزدیک می‌شوند، از وحشت مبدل خواهند لرزید.

● به نظر تو تا ۲۷ جولای در چه وضعیتی خواهیم بود؟

● قربانت ان جمعه ۳۰ جون ۱۹۴۴

انتصابات زنان و مساله لباس زیر زنانه در ارتش



● غایله احمدی

گزارشگر

● منیژه باختری به عنوان سفیر افغانستان در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مقرر شد و همکاری‌های فناوری میان افغانستان و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را آغاز کرد.

● رشیده شهیدی به عنوان والی دایکندی معرفی شد، رشیده بر اساس پیشنهاد اداره ارگان‌های محلی و حکم رئیس‌جمهور تعیین شده است.

● زنان مجلس شورای ملی عربستان از اشتراک زنان افغانستان در روند صلح حمایت کردند. نمایندگان زن در پارلمان افغانستان و عربستان سعودی از طریق ویدیو کنفرانس باهم در این مورد صحبت داشتند.

● یک زن به اتهام قتل مردی در شهر کابل بازداشت شد. درباره هویت این زن به رسانه‌ها اطلاعاتی داده نشده است. این رویداد در ساحه افشار شهر کابل اتفاق افتاده است. این زن چند شب پیش، مردی را در خانه‌اش توسط سیم برق خفه و از محل فرار کرد.

● سه کارمند زن در بخش واکسیناسیون کودکان در ولایت جلال‌آباد از سوی مهاجمان مسلح کشته شدند. طالبان مسئولیت این حمله را به عهده گرفته‌است. یک روز پس از این حمله، طالبان پنج کارمند زن در بخش واکسیناسیون را در مجورآباد ولایت ننگرهار به قتل رساندند.

● در اثر انفجاری در «بندر کلفت» ولسوالی بلخ دو تن کشته و در حدود ۱۳ تن دیگر زخمی شدند. در میان زخمی‌ها و کشته‌شدگان زنان و اطفال نیز وجود دارد.

● در اثر حادثه‌ای ترافیکی در مسیر شاهراه هرات - قندهار دو تن از جمله یک زن کشته و سه تن دیگر زخمی شدند. این حادثه شام سه‌شنبه دهم حمل در ساحه ولسوالی گذره اتفاق افتاده است. بی‌توجهی رانندگان و سرعت بیش از حد، دلیل این حادثه گفته شده است.

● صدها باشنده ترکیه بخاطر خروج این کشور از معاهده منع خشونت علیه زنان اعتراض کردند و تظاهراتی را در شهر استانبول راه اندازی کردند. به گفته تظاهرکنندگان خروج از این معاهده به معنی «عادی‌سازی همجنس‌گرایی» می‌باشد. به باور منتقدان، این معاهده باعث تضعیف بنیان خانواده می‌شود. آن‌ها همچنین معتقدند که این پیمان به ترویج همجنس‌گرایی کمک می‌کند. منتقدان دولت ترکیه می‌گویند که خروج از پیمان منع خشونت علیه زنان منجر به تداوم تبعیض علیه زنان و ادامه نابرابری‌های جنسیتی خواهد شد.

● ارتش سوئیس برای اولین بار اجازه می‌دهد که سربازان زن تازه شمول در این کشور از لباس زیر زنانه استفاده کنند. ارتش سوئیس این تصمیم را به هدف جذب نیروی بیشتر و تشویق زنان به استخدام در ارتش گرفته است. بر اساس مقررات فعلی، لباس استاندارد که برای افراد تازه‌وارد در ارتش سوئیس داده می‌شود، فقط شامل لباس زیر مردانه است. در اجرای امتحانی این طرح که قرار است در ماه آینده میلادی آغاز شود، دو مجموعه لباس زیر زنانه برای ماه‌های گرم و سرد به سربازان تازه‌وارد زن داده خواهد شد.

● دیدبان حقوق بشر در تازه‌ترین گزارش خود از وضعیت حقوق بشری در افغانستان گفته است که گروه طالبان زنان، خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ها را به صورت عمدی هدف قرار می‌دهند. دیدبان حقوق بشر وضعیت زنان، خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ها در افغانستان را نگران‌کننده خوانده و گفته است: این مصاحبه‌شدگان گفته‌اند که گروه طالبان، زنان، خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ها را به صورت مستقیم و عمدی هدف حمله مسلحانه قرار می‌دهند.



● صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: فاطمه روشنیان

● سردبیر و ویراستار: مریم شاهی / گزارشگران: حسین احمدی، لطفه موسوی و جمیله احمدی

● عکاس: حمیده مهردل / ترجمه: حافد عظیم یار / صفحه‌آرا: اسماعیل لعلی

● چاپ: مطبعه آسیا / توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

● به‌غیر از سرمقاله، مطالب دیگر بیانگر دیدگاه نویسندگان است.

ساده‌سازی نکاح‌خط؛

نقطه پایان کودک‌همسری



حسین احمدی
گزارشگر



تاکنون اکثریت مطلق عقده‌ها خارج از چشم محاکم و مجری‌های قانون صورت می‌گیرد که در اکثر موارد دختران زیر سن به شوهر داده می‌شود. رسمی شدن این پروسه و انجام عقد در محاکم دولتی کمک خواهد کرد تا دیگر هیچ دختر زیر سن به نکاح کسی درنیاورد و فرهنگ کودک‌همسری در کشور نیز پایان یابد.

عروس‌ها و دخترانش در افغانستان به گونه‌ی عرفی عقد کرده و تا هنوز هیچ‌گونه سند رسمی از سوی دولت ندارد که در صورت بروز دعوای حقوقی-خانوادگی مدار اعتبار باشد. نجلا راحل، معاون انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان می‌گوید: نکاح‌نامه‌های عرفی که از سوی دفترهای علمای دین صادر می‌شود در محاکم عدلی و قضایی مدار اعتبار است، اما نیاز به شواهد و اثبات حقیقت آن‌ها دارد.

خانم راحل می‌گوید بارها اتفاق افتاده است که نکاح‌نامه‌های عرفی جعلی خوانده شده و یا کتمان شده است، به ویژه در قضایای دعوای مهر زنان؛ از همین رو، زنان بیشترین متضرران عدم نکاح‌خط رسمی هستند.

چرا زوجین هنگام ازدواج نکاح‌خط رسمی نمی‌گیرند؟

گلرخ بدخشی، رئیس امور حقوقی وزارت امور زنان می‌گوید این وزارت در سال ۱۳۹۴ خورشیدی طرح رسمی شدن نکاح‌خط را به دادگاه عالی کشور پیشنهاد کرد که مورد تأیید آن نهاد قرار گرفت. اما آمارهای تخمینی که از سوی موسسه حمایت از افراد آسیب‌پذیر منتشر شد، نشان می‌دهد که تا هنوز ۸۰ درصد کسانی که ازدواج کرده‌اند نکاح‌خط رسمی ندارند. خانم بدخشی در این مورد می‌گوید که طرح قبلی نیاز به تعدیل دارد، زیرا شهروندان مجبور بودند برای اخذ نکاح‌خط

کسی نتواند دختران زیر سن را به ازدواج مجبور کند. مسکا قدیری، از مسئولان کمیسیون مستقل حقوق بشر و عضو کمیته دادخواهی برای ساده‌سازی روند نکاح‌خط می‌گوید با ساده شدن این پروسه ازدواج‌ها از حالت عرفی به شکل رسمی تحت نظارت دولت درخواهد آمد. به گفته‌ی او، تاکنون اکثریت مطلق عقده‌ها خارج از چشم محاکم و مجری‌های قانون صورت می‌گیرد که در اکثر موارد دختران زیر سن به شوهر داده می‌شود. رسمی شدن این پروسه و انجام عقد در محاکم دولتی کمک خواهد کرد تا دیگر هیچ دختر زیر سن به نکاح کسی درنیاورد و فرهنگ کودک‌همسری در کشور نیز پایان یابد. ثریا افضل یار، ۶۰ ساله، خودش در ایران عروسی کرده و همانجا نکاح‌نامه‌ی رسمی گرفته است. اما به گفته‌ی او،

تعدادی از نهادهای مدنی و دولتی روی طرح جدیدی کار می‌کنند که با ایجاد سهولت برای گرفتن نکاح‌خط، زمینه‌ها برای ازدواج کودکان را از بین ببرند. آن‌ها می‌گویند که بوروکراسی حاکم در دادگاه‌های افغانستان باعث شده است که ۸۰ درصد زوجین نکاح‌خط نداشته باشند و از همه مهمتر اینکه این روند زمینه‌ساز کودک‌همسری در کشور شده است. سکینه سخی، رئیس این موسسه به نیمرخ گفت که داشتن سند رسمی نکاح‌خط در اکثر موارد باعث نقض حقوق زنان شده است؛ زمانی که ازدواج‌ها در خلاء قانونی صورت می‌گیرد و دولت نظارتی ندارد، دختران زیر سن به عقد نکاح درمی‌آیند و حق مهر زنان داده نمی‌شود. با رسمی شدن نکاح‌خط و ثبت رسمی ازدواج‌ها، شاید دیگر

صلح بی‌زنان، صلح ناپایدار

برای ختم جنگ، اگر در پروسه صلح هم نتوانیم همدیگر را بپذیریم بدون شک صلح تأمین نمی‌شود و اگر توافقی صورت بگیرد پایداری ندارد. به همین خاطر است که تأکید داریم در روند صلح زنان به عنوان نصف نفوس جامعه نه تنها که نادیده گرفته نشوند، بلکه در روند مذاکرات و توافق نهایی، تصمیم‌گیرنده باشند.

روند صلح افغانستان یک‌ونیم دهه است که جریان دارد، بیش از یک سال است که مذاکرات صلح در قطر جریان دارد، نشست استانبول در مورد افغانستان نیز به زودی برگزار خواهد شد. حقوق زنان از اساسی‌ترین موضوع‌های مطرح در پروسه صلح است. زنان و مدافعان حقوق زن بر حضور موثر و نقش پررنگ زنان در جریان مذاکرات و نشست‌های مرتبط به صلح تأکید دارند.

مریم درانی، عضو پیشین شورای ولایتی قندهار می‌گوید جوانب دخیل در پروسه صلح نمی‌توانند زنان را نادیده بگیرند.

ارچند که روی کار آمدن حکومت جدید در افغانستان بیشتر نیازمند اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی است، شبیه نشست بن

«به عنوان یک زن تحصیلکرده حاضر در خانه بنشینم و صلح هم از آن مردان باشد، فقط مرا نکشند، عزیزانم را با گلوله از من بگیرند، جوانان را می‌کشند، کودک و حتا عروس و داماد را در لباس عروسی‌شان می‌کشند. به جای تداوم کشتار، صلح سیاستمدارانی که ما را از این وضعیت نجات دهد بهتر است.»

ناپایداری صلح مردانه

در همین حال، لیلما ناصری، رئیس کمیته‌های مکانیزم افغانستان برای صلح همه شمول به نیمرخ می‌گوید «جنگ بخاطر عدم همدیگرپذیری رخ می‌دهد. صلح یک راهکاریست

زرغونه، زنی که پنج دهه روزگار پر فراز و نشیب و جنگ‌های خونین در شرق کشور را شاهد بوده، در گردهمایی یکه زار نفری در کابل شرکت کرده است تا دیدگاهش را در مورد صلح شریک سازد. دیدگاه‌های زرغونه و دیگر اشتراک‌کنندگان برنامه همایش ملی صلح که از سوی مکانیزم افغانستان برای صلح همه شمول برگزار شده، با هیأت مذاکره کننده دولت، دفتر سیاسی طالبان در قطر و همکاران بین‌المللی صلح افغانستان شریک خواهد شد.

یک صلح و هزار تعریف

صلح افغانستان برای طالبان شاید به معنای بازگشت امارت باشد، برای حکومت فعلی حفظ قدرت، برای ناتو آبرومندانه خارج شدن، برای همسایگان تأمین منافع و دسترسی به منابع بیابورد، ولی خانم زرغونه که عضو یکی از ۲۷ گروه کاری همایش ملی صلح است با پوشش محلی زنان شرق افغانستان در یکی از پارک‌های سبز باغ چهلستون کابل میان جمع ایستاده است، او به خانواده‌هایی اشاره می‌کند که در این باغ به تفریح آمده‌اند. او می‌گوید: در بسیاری از مناطق کشور زنان رفتن به یک مکان عمومی مثل باغ و پارک تفریحی یک رویاست، در چنین وضعیتی برای زنانی مثل من صلح، داشتن همین آزادی را معنا می‌دهد.

به باور زرغونه، تصور هر شهروند این سرزمین از «صلح» یک وضعیت خاص است. «زنان ولایات مشرقی صلح می‌خواهند تا دختران‌شان بتوانند به مکتب بروند، زنان بخاطر نبود

داکتر خانم از خدمات صحتی محروم نباشند.» اما بنفشه ۲۴ ساله که تازه از دانشگاه کابل فارغ شده و اکنون در خانه بیکار نشسته، بر این باور است تا قتل و کشتار ادامه داشته باشد «صلح» معنایی ندارد.

بنفشه همراه با خانواده‌اش برای تفریح در باغ چهلستون آمده است. او تنها رفتن به باغ را کافی نمی‌داند. به باور او صلح یعنی اینکه همه شهروندان بدون دغدغه‌ی کشته شدن زندگی کنند. «در کابل این آزادی وجود دارد، ما به پارک می‌آییم ولی معلوم نیست زنده برمی‌گردیم یا نه.»

ترجیح مرگ تدریجی

بنفشه «زنده ماندن در خانه تحت حاکمیت نظام طالبانی» را بر وضعیت کنونی که فقر و خشونت افزایش یافته، «ترجیح» می‌دهد.

او به عنوان زنی که در پایتخت به آموزش و خدمات صحتی دسترسی دارد، مرگ تدریجی در زیر سایه طالبان را نسبت به مرگ یک شبه در دست انتحاری ترجیح می‌دهد. او می‌گوید:

که نظام دموکراسی پس از سقوط رژیم طالبان را به بار آورد. اما خانم درانی می‌گوید: شرایط افغانستان از نشست بن تا اکنون فرق کرده است. «در زمانی که با نشست بن حکومت جدید روی کار آمد، زنی برای دفاع از حقوق زنان عملاً در صحنه حضور نداشت. اما امروز از سیاست تا اقتصاد و تجارت، از ورزش تا هنر، از آموزش و صحت تا کارهای اداری دولت و سکتور خصوصی، زنان حضور دارند. گردهمایی‌های زنان در داخل و خارج از کشور مصداق همین است که حتا اگر جناح‌های داخلی و همکاران بین‌المللی زنان افغانستان را نادیده انگاشته اند، زنان در حاشیه نمی‌نشینند و صلحی را نمی‌پذیرند که در آن خواست نصف نفوس کشور نادیده گرفته شود.»

برخی از مردان نیز بدین باورند که تبعیض جنسیتی شکاف‌های اجتماعی در کشور را بیشتر می‌کند، در روند صلح و هر پروسه‌ای که بر زندگی جمعی مردم اثرگذار باشد باید حقوق همه شهروندان بدون تفکیک جنسیت و تعلقات و باورهای شان به رسمیت شناخته شود.

قانونی شدن تبعیض؟

قاری حمیدالله، از ولایت بدخشان می‌گوید: در روند صلح زیربناهای مشروعیت دولت مثل قانون از مباحث اصلی است، قانون اساسی کشور به صورت کامل در هماهنگی با موازین دین اسلام است و برابری زن و مرد را نیز به رسمیت شناخته است. «اگر قانون نیاز به تعدیل داشته باشد بازهم تبعیض و نابرابری را که نمی‌توان در قانون به رسمیت شناخت، خواه این تبعیض بین زن و مرد باشد یا اقوام و مذاهب.»

نجیبه فروغ، ۳۶ ساله از تخار دو سال قبل در لویه جرگه زنان نیز شرکت کرده بود. او هنوز هم بر یک موضع تأکید دارد: «اگر صلحی صورت می‌گیرد بدون زنان نباشد!»

خانم فروغ نشست‌هایی همچون همایش ملی صلح و لویه جرگه زنان را از آرزو مفید می‌داند که سبب توحید دیدگاه‌های مردمی، شناخت معیارها و تعریف‌های متفاوت مردم از صلح و از همه مهمتر زمینه‌ساز انسجام و همصدایی زنان می‌شود. این فعال حقوق زن از رویه‌ی فعلی با حقوق زنان در نشست‌ها و مذاکرات مرتبط به صلح در قطر و مسکو شکایت دارد و می‌گوید: «جناح‌های دخیل در پروسه صلح باید صدای زنان را جدی بگیرند و به خود زنان فرصت داده شود تا در نشست‌های سرنوشت‌ساز صلح، خواست‌ها، پیشنهادها و راهکاری‌شان برای تأمین صلح پایدار را شریک سازند و برابر با مردان تصمیم بگیرند.»

